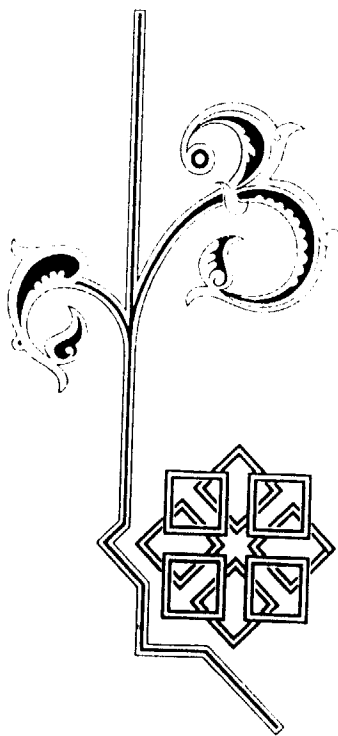


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته حقوق جزا و جرم شناسی

بررسی جرم منازعه

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر حسین میر محمد صادقی

014335

استاد مشاور :

جناب آقای دکتر محمد علی اردبیلی

تمقیق و تدوین :

هادی جعفری

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار
۵	مقدمه
۸	فصل اول : کلیات
۹	بخش اول: سابقه تاریخی و تقنینی جرم منازعه
۹	گفتار اول: پیشینه تاریخی
۱۲	گفتار دوم: سابقه تقنینی
۱۳	الف - قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴
۱۵	ب - قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب سال ۱۳۱۸
۱۶	ج - لایحه مجازات حمل چاقو و انواع دیگر اسلحه سرد مصوب ۱۳۳۶
۱۶	د - قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۶۲
۱۷	هـ - قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) مصوب سال ۱۳۷۵
۲۰	بخش دوم : وابستگی و ارتباط جرم منازعه با دیگر جرایم
۲۰	گفتار اول: قتل ، ضرب و جرح ، نقص عضو
۲۰	گفتار دوم: اخلال در نظم عمومی و سلب آسایش همگانی
۲۱	گفتار سوم: تخریب و حریق عمدی

۲۲	فصل دوم: تعریف جرم منازعه و عناصر متشکله آن
۲۳	بخش اول: تعریف جرم
۲۶	بخش دوم: عناصر متشکله
۲۶	گفتار اول: عنصر قانونی
۳۱	گفتار دوم: عنصر مادی
۳۳	الف - عمل مادی فیزیکی شرکت کنندگان در نزاع
۳۳	۱- عمل مرتکب باید به صورت فعل مثبت باشد
۳۴	۲- عمل باید طرفینی باشد
۳۷	۳- منازعه باید عملی باشد نه لفظی
۳۸	۴- فعل مرتکب می تواند به صورت مستقیم یا غیر مستقیم باشد
۴۰	۵- جرم منازعه آنی است یا مستمر؟
۴۲	۶- جرم منازعه مقید است.
۶۲	۷- عدم لزوم شرکت تمامی منازعان در ایجاد نتایج
۶۴	۸- منازعه و قواعد عمومی تعدد جرم
۷۹	۹- منازعه و مسأله شروع به جرم
۸۲	ب - شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم
۸۲	۱- تعداد منازعان باید حداقل ۳ نفر باشد
۸۴	۲- قربانی باید جزء منازعان باشد
۸۶	۳- مسأله اخلال در نظم عمومی و سلب آسایش همگانی در جرم منازعه
۸۷	ج - نتایج حاصله

۹۶	گفتار سوم : عنصر روانی
۹۶	الف - بیان موضوع و موقعیت عنصر روانی جرم
۱۰۲	ب - عنصر روانی جرم منازعه
۱۲۵	فصل سوم : همکاری در ارتکاب جرم منازعه
۱۲۶	بخش اول: شرکت در منازعه
۱۳۱	بخش دوم: معاونت در منازعه
۱۴۲	فصل چهارم: مجازات جرم منازعه
۱۴۴	بخش اول: مجازات های اصلی
۱۴۹	بخش دوم: مجازات های تبعی و تکمیلی
۱۵۱	بخش سوم: ضرر و زیان ناشی از جرم و مسأله دیه
۱۶۰	نتیجه گیری تحقیق و پیشنهادات
۱۶۵	فهرست منابع

پیشگفتار

تاریخ بشر سرشار از دل نگرانی های قابل درکی است که در قبال تخطی و تجاوز علیه مقدسات، آداب و رسوم، عرف و هنجارهای جامعه ابراز شده است و از میان عوامل گوناگون که انسان مضطرب را فرا گرفته است بزهکاری، همچنان یکی از عوامل مهم و قابل ملاحظه عصر ماست. جوامع انسانی همواره با پدیده های مجرمانه بر ضد قوانین و مقررات خود مواجه بوده اند؛ چرا که همواره افرادی را در میان خود جای داده اند که منافع مادی خود را از راه نقض قوانین و مقررات، تأمین می کنند و به موازات آن، این جوامع، برای ادامه حیات و تکامل خود و هم در جهت تقابل با رفتارهای خلاف نظم اجتماعی، از خود واکنش قهر آمیز نشان داده اند و از اینروست که پدیده مجرمانه عمری به قدمت اجتماعات انسانی دارد؛ هرچند اشکال و انواع مختلف آن، بر حسب زمان از یک سو، و ماهیت و قواعد حاکم و میزان پیشرفت هر جامعه از دیگر سو، متفاوت بوده است. "آثار و کتیبه های بجا مانده از پیشینیان، بیانگر قوانین و مقررات متعددی است که متضمن تأکید بر حفظ عرف و ارزشهای حاکم بر جامعه و نیز عکس العمل های پیش بینی شده علیه بزهکاران است. کتیبه اسپانیایی موجود در «ریمیجیا»^۱ نزدیک شهر ولانس، متعلق به دوره پیش از تاریخ که صحنه اجرای مجازات اعدام را نشان می دهد، مؤید این مطلب است.^۲

در جوامع بدوی، معیار تمیز رفتار مجرمانه از اعمال مجاز، عرف حاکم بر گروهها و قبایل بوده که بتدریج ضوابط مربوط به واکنش علیه جرم به صورت قواعد و مقررات دینی و عقیدتی درآمده است. این مقررات و نیز بسیاری از عادات و رسوم اجتماعی که متأثر از تعلقات دینی رواج دارد تحت نفوذ قدرتهای سیاسی و

^۱-Remigia

^۲ - ژان برادل، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، بهار ۱۳۷۳، ص ۱۵.

اجتماعی در نصوص معینی شکل قانونی به خود گرفته است. مدارک و اسناد مذهبی و غیر مذهبی بسیاری که از گذشته بدست آمده است به روشنی، دلالت بر احساس ضرورت قانونمندی و تثبیت قواعد مورد پذیرش جوامع گذشته دارد. این ملاحظات به ویژه به دنبال توسعه جامعه و پیچیدگی های خاص آن موجب گردیده «علم قانون» به عنوان یکی از دانش های مؤثر در حفظ نظام اجتماعی مورد توجه جدی قرار گیرد. از اینروست که به عقیده یکی از حقوقدانان، سنت های اجتماعی و آداب و رسوم قومی و دیگر عوامل مشترک بین افراد یک جامعه به تنهایی برای تأمین نظم اجتماعی کافی نیستند؛ هرچند اهمیت هر یک حسب درجه وابستگی آنها به جامعه، غیر قابل تردید است و هر چند قوانین و مقررات حاکم بر هر جامعه ای، با توجه به این سنت ها و آداب و رسوم تنظیم می گردد؛ اما وجود یک نظم اجتماعی دقیق، معین و قابل قبول، بدون وجود قواعد و مقرراتی که مجموعه آنها، قوانین حاکم بر یک جامعه را در مفهوم کلی آن تشکیل می دهند، میسر نیست؛ حتی کشورهایی که سیستم حقوقی آنها بر مبنای عرف و سنت قرار گرفته نیز، دور از تنظیم آنها در قالب قواعد و مقررات نیستند.^۱

نیازمندی جامعه به قانون در جهت حفظ نظم اجتماعی و پاسداری از ارزشهای آن و نیز تنظیم روابط افراد، امری غیر قابل انکار است؛ اما آنجا که سخن از برخورد جامعه با بزه و بزهکاران به میان می آید، به منظور جلوگیری از تجاوز حکام به حقوق افراد و افتادن در دامن افراط در قالب شعارهای زیبایی همچون: حفاظت از جامعه و آسایش شهروندان، ضرورت تدوین دقیق قوانین نیز اجتناب ناپذیر است. همچنانکه در قرن ۱۸ بکاریا معتقد بود: «فقط قانون می تواند برای جرائم مجازات تعیین کند» و اینکه بعدها در اعلامیه حقوق بشر و در موارد مختلفی به این امر اشاره گردید مثل اینکه: «نمی توان کسی را مجازات کرد مگر به موجب داد نامه دادگاهی

^۱ - دکتر نوربها (رضا)، زمینه حقوق جزای عمومی، نشر کانون وکلای دادگستری، چاپ دوم، زمستان ۱۳۷۵، ص ۱۳.

گردید مثل اینکه: «نمی توان کسی را مجازات کرد مگر به موجب داد نامه دادگاهی مستقل و بی طرف^۱ و یا «نمی توان کسی را مجازات کرد مگر به موجب قانونی که قبلاً قابلیت اجرا یافته باشد^۲».

در کنار قوانین و مقررات مدون، اصول و قواعد عرفی حاکم در رویه قضایی همچون: اصل تفسیر به نفع متهم، اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی و نیز «آموزه های کیفری^۳» قابل توجه است. از این دیدگاه، تحلیل و بررسی قوانین جزایی و روشن نمودن نقاط تاریک و رفع ابهام و اجمال متون قانونی، خود گامی است در جهت تضمین و دفاع از حقوق جامعه و نیز افرادی از جامعه که در فرایند دادرسی، بعنوان متهم تحت تعقیب قرار می گیرند.

رساله حاضر، به بررسی جرم نزاع جمعی در قانون مجازات اسلامی ایران می پردازد. این تحقیق، مشتمل بر ۴ فصل به شرح «فهرست عناوین»، جرم نزاع جمعی را از منظر حقوق جزا بررسی می نماید. از جهات انتخاب موضوع، به نظر نگارنده، یکی فقدان تحقیقات کافی پیرامون جرم نزاع جمعی و احکام آن در حقوق جزای ایران و دیگری، تغییرات تقنینی این جرم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ است. در طول انجام تحقیق، فقر منابع و کمی آثار پیرامون جرم منازعه، به وضوح مشاهده می گردید که این موضوع، تا حدود زیادی به دشواری کار می افزود؛ بنحوی که در غالب کتابهای «حقوق جزای اختصاصی»، اثری از طرح و تحلیل و بررسی جرم منازعه به عنوان یک «جرم خاص» ملاحظه نگردید. از سویی فقدان چنین تحقیقاتی، مختص کتب و آثار منتشر شده پس از انقلاب نیست.

۱- ماده (۱۵) اعلامیه حقوق بشر

۲- ماده (۱۰) اعلامیه حقوق بشر

۳- Doctrine: مجموعه مطالعات و فعالیتهای حقوقی که هدف آنها، توضیح، تشریح و تفسیر حقوق است و عمدتاً در جهت وضع و اصلاح قوانین، راهنمای قانونگذار به شمار می رود.

از نظر نگارنده، یکی از علل عدم توجه کافی به این جرم، این است که منازعه، در واقع قالبی برای ارتکاب جرایمی همچون: قتل، نقص عضو، ضرب و جرح، دیده شده است و بدیهی است که پیرامون چنین جرایمی در آثار علمی، بصورت جامع، بحث و بررسی صورت گرفته است.

به همین جهت، آن دسته از حقوقدانان نیز که اشاراتی به جرم منازعه نموده اند، آنرا ذیل مبحث «شرکت در جرم قتل یا ضرب و جرح» آورده اند.

روش انجام تحقیق در این رساله، به لحاظ نظری بودن موضوع، رجوع به منابع حقوقی؛ اعم از قوانین، کتب حقوقی و جزوات دانشگاهی و دیگر نشریات حقوقی مانند: مجله یا فصلنامه های حقوقی دانشگاهها و سازمانها و نیز استفاده از رویه قضایی می باشد. تطبیق مقررات قانونی مربوط به جرم منازعه در سیر تقنینی آن نیز، مورد توجه نگارنده قرار گرفته است.

انجام تحقیقات میدانی درباره این جرم، مرتبط با مطالعات جرم شناسی است که امید می رود در جای خود، جامه عمل پوشانده شود.

وظیفه دارم، پیشاپیش از زحمات اساتید محترم دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، بویژه استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر حسین میرمحمدصادقی که همواره از فضائل و دانش ایشان نهایت بهره را برده ام، و نیز استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر محمد علی اردبیلی تشکر و قدردانی نمایم.

امید است حاصل این پژوهش، رضایت خداوند متعال و استفاده دانش پژوهان عزیز باشد.

مقدمه

در تعریف «حقوق جزا» حقوقدانان و متخصصین علوم جزایی، نظراتی ابراز داشته اند؛ از جمله گفته شده است: «حقوق جزا، حاوی قواعد و قوانینی است که اجرای مجازات را در کشور تنظیم و هماهنگ می کند»^۱. یا «حقوق جزا، عبارت از مجموعه قوانینی است که دولت، مجازات و مقررات مربوط به آنها را درباره مجرمین به موقع اجرا می گذارد»^۲. یا «حقوق جزا، مجموعه قواعدی است که بر چگونگی مجازات اشخاص از طرف دولت، حاکم است»^۳. یا «حقوق جزا، رشته ای از حقوق عمومی است که سعی دارد بوسیله تهدید و ارعاب، از وقوع اعمال یا ترک اعمال که موجب برهم زدن نظم عمومی است جلوگیری و در صورت اقتضاء، کسانی را که مرتکب آن اعمال می شوند با طرق مختلف، مجازات کند»^۴. یا «حقوق جزا، مجموعه قواعد قضایی است که عکس العمل دولت را در مقابل جرایم و مجرمین، مشخص می کند»^۵.

از توجه به تعاریف مذکور، مشخص می شود که حقوق جزا، رشته ای از حقوق عمومی است که موضوع عمده آن، بیان قواعد اجرای مجازات هاست و نیز تعیین اعمال مجرمانه و عکس العمل دولت در مقابل جرایم که به منظور حفظ نظم و آسایش عمومی از طریق ایجاد ترس و ارعاب فردی و همگانی به مرحله اجرا گذارده می شود.

در یک تقسیم بندی کلی، حقوق جزا به دو رشته «حقوق جزای عمومی» و «حقوق جزای اختصاصی» تقسیم می شود. بر خلاف حقوق جزای عمومی که به قواعد و اصول کلی حاکم بر جرائم و مجازات ها و نیز به مسائل عام حقوق جزا؛

^۱ - دکتر علی آبادی (عبدالحسین)، حقوق جنایی، چاپ پنجم، جلد اول، صفحه ۱.

^۲ - دکتر ملک اسماعیلی (عزیزا)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، صفحه ۱.

^۳ - دکتر کاتوزیان (ناصر)، کلیات حقوق، جلد اول، صفحه ۲۷۶.

^۴ - بوزا و پنیاتل - حقوق جزا و جرم شناسی، جلد اول، صفحه ۱.

^۵ - مرل و ویتو، حقوق جنایی، صفحه ۲.

همچون: تعریف جرم، شرایط مسئولیت کیفری، عوامل مخفّفه و مشدّدّه، مربوط است؛ حقوق جزای اختصاصی، به بحث از جرایم خاص و طبقه بندی و تفکیک عناصر متشکله هر جرم، بطور جداگانه، و نوع و میزان و مجازات جرم می پردازد^۱.

هرچند حقوق جزای عمومی به شکل امروزی، بعد از ظهور مکاتب جدید و توسعه اندیشه های حقوقی مطرح شده است؛ اما تقدم تاریخی حقوق جزای اختصاصی بر حقوق جزای عمومی، هرگز به معنی برتری آن بر دیگری نیست؛ بلکه از نظر منطقی، قبل از ورود به بحث شرایط و اوصاف هر یک از جرایم خاص، ضروری است قواعد و احکام کلی که در حقوق جزای عمومی بررسی می شود، مورد مطالعه قرار گیرد؛ بنابراین انفصال و جدایی این دو رشته، صرفاً منحصر به حوزه مطالعات نظری است و در اجرای حقوق جزا، ارتباط این دو، محکم و تنگاتنگ است.

معمولاً، حقوق جزای اختصاصی در مقایسه با حقوق جزای عمومی، از ثبات و استقرار کمتری برخوردار است و علت آن، تاثیر پذیری جرم از تغییرات اجتماعی و سیاسی است. حقوقدانان در مبحث حقوق جزای اختصاصی، جرایم را به دسته هایی چند، تقسیم کرده اند که عمده آنها عبارتند از: «۱- جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص ۲- جرایم علیه اموال و مالکیت ۳- جرایم علیه نظم و آسایش عمومی ۴- جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور ۵- جرایم علیه اخلاق و عفت عمومی.

«جرایم علیه اشخاص، جرایمی هستند که بصورت فعل یا تهدید، توسط اشخاص، علیه جسم و جان دیگر اشخاص واقع می شوند؛ مانند: قتل عمد، بچه کشی، سقط غیر قانونی جنین، قتل بر اثر بی احتیاطی یا خطرات ناشی از رانندگی ۲»

^۱ در حقوق اسلام، بسیاری از قواعد و احکام کلی که در حقوق جزای عمومی بررسی می شود، تحت عنوان قواعد فقه مطرح شده است.

چاپ اول، ۱۳۷۷، نشر دیدار OXFORD DICTIONARY OF LAW, ELIZABETH A. MARTIN^۲

البته به نظر برخی حقوقدانان، جرایم علیه اشخاص را می‌توان به ۲ قسم مجزا تفکیک نمود: الف- جرایم علیه تمامیت جسمانی ب- جرائم علیه شخصیت معنوی^۱.

نزاع جمعی یکی از جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص است که با توجه به نوع و ماهیت و شیوه ارتکاب آن و نتایج حاصل از آن، می‌تواند همزمان در طبقه بندی « جرایم علیه نظم و آسایش عمومی^۲ نیز قرار گیرد.

جمعی بودن جرم، از علل توجه خاص قانونگذار و واکنش نسبتاً سخت در قبال آن می‌باشد؛ چه آنکه معمولاً، حاصل منازعات جمعی، هم در کمیت و کیفیت آثار وارده بر اشخاص و هم در اخلال نظم عمومی، قابل ملاحظه است. تبانی، و قصد ارتکاب جمعی جرم، آنرا از محدوده جرایم فردی و ناهنجاری های شخصی دور ساخته و جنبه های اجتماعی - گروهی آن را پررنگ تر می‌سازد.

در قسمت مطالعات حقوقی این جرم، دشواری هایی مشاهده می‌شود که تا حدودی آنرا از دیگر جرایم متمایز می‌نماید؛ به عنوان مثال: تعریفی که از « شرکت در جرم منازعه » می‌شود، متفاوت از تعریف « شرکت در جرم اصطلاحی^۳ » است و از جهاتی با آن تفاوت دارد؛ حتی در قسمت ضرر و زیان ناشی از جرم، تأملاتی وجود دارد که در دیگر جرایم، کمتر مطرح می‌شود. در این رساله تلاش شده است تا به بسیاری از سؤالات پیرامون جرم منازعه پاسخ لازم داده شود. مشخصاً موارد مهمی چون تعریف جرم منازعه، تعدد بین اصل جرم و نتایج حاصل از آن، عنصر مادی جرم، نحوه و چگونگی جبران ضرر و زیان ناشی از جرم و مسئله دیه، مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

^۱ - دکتر آقایی نیا، حقوق جزایی اختصاصی (۱)، جزوه تکمیلی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۷۹

^۲ -offences against the public order.

^۳ مراد، شرکت در جرم است که قواعد مربوط به آن در حقوق جزای عمومی بیان می‌شود.

فصل اول

کلیات

بخش نخست : سابقه تاریخی و تقنینی جرم منازعه

گفتار اول : پیشینه تاریخی

تحول حقوق جزا، مستند به تحقیقات تاریخی و مطالعات جامعه شناسان است؛ آنچه مربوط به قرون اولیه و اعصار باستانی است، از افسانه های ملی و آثار ملی و قوانین باستانی و کتب مقدس مانند : آثار هومر، تورات، قانون حمورابی و نظایر آنها استفاده می شود . چگونگی تحول، حسب نژاد، مذهب، عرف و عادات اجتماعی هر قوم، متفاوت بوده است . با این وجود، در میان عموم اقوام، نقاط مشترکی وجود دارد که اجازه می دهد، حقوق جزا را بنحو کلی مورد مطالعه قرار دهیم. از این دیدگاه، حقوق جزا به سه دوره تقسیم می شود : ۱- دوره انتقام خصوصی ۲- دوره دادگستری خصوصی ۳- دوره دادگستری عمومی.

۱- دوره انتقام خصوصی : این دوره مربوط به عصری است که هنوز اجتماع بصورت منظم، تحت اداره دولت شکل نیافته و افراد هر دسته، بصورت خانواده یا گروه (clan) جداگانه زندگی می کنند. در صورت حمله فردی به فردی دیگر و زخمی کردن یا کشتن او، نخستین عکس العمل شخص زخم دیده (هرگاه زنده می ماند) و خانواده یا گروه او (در صورتی که کشته می شد) در مقابل حمله کننده، انتقام بود. برای انتقام نیز حادی موجود نبود و به نیروی فرد و قبیله او بستگی داشت؛ چه بسا بر اثر کشته شدن فردی از یک قبیله توسط فردی از قبیله دیگر، جنگ و نزاعی بزرگ بین قبایل درمیگرفت؛ و هر گاه منازعه، داخلی بود و درون یک قبیله رخ می داد؛ گرفتن انتقام، در اختیار رئیس خانواده، یا قبیله بود که اقتدارات مذهبی، اجتماعی در وجود او جمع بود و به تشخیص و اراده خود، جانی را کیفر می داد و ممکن بود در مقابل زخمی که جانی به طرف زده است به کشتن او فرمان دهد. از اینروست که گفته اند : «حقوق جزا از انتقامجویی آغاز می شود.» انتقام برای مجنی علیه و خانواده اش، نه تنها حق، بلکه برای خویشان و نزدیکان او، تکلیفی بود و آنان

می بایست به هر قیمتی، انتقام خون ریخته شده را بگیرند و افراد گروه، در عین اینکه نظارت می کردند که به تکلیف عمل شود؛ موظف به یاری کسان مجنی^۱ علیه بودند تا خون ریخته را به خون بشویند.

انتقام جویی با اصول اخلاقی عصر منطبق بود و هنگامی که جانی، فردی اجنبی از گروه بود، بدون رعایت تناسب میان جنایت و انتقام و قید و شرط دیگر، اجرا می گردید. از سویی، انتقام جویی هرچند وحشیانه بود اما در ایجاد نظم نسبی و موقت، مؤثر بود و بسم اعمال آن، از تعدی و تجاوز گروهها می کاست. در منازعات، افراد هر گروه مکلف به همکاری و مشارکت بودند و همچنین در تحمل نتایج انتقام شرکت داشتند؛ لذا مسئولیتهای جزایی در این دوره، مشترک است و انتقام شامل هر عمل زیان آور می شد؛ به ویژه در مورد قتل و ضرب و جرح که بسیار شدید اعمال می گردید.^۱

۲- دوره دادگستری خصوصی: به دلیل خستگی بشر از جنگ ها و منازعات همیشگی و پایان ناپذیر و نیز تبدیل قبایل بزرگ به گروههای متعدد و گسترش و اهمیت مذهب و توجه به احکام آن، بویژه پس از ظهور دین یهود و آیین مسیح و پیروی افراد از دستورات ادیان الهی، به تدریج ارتباطات فردی و اجتماعی، دوام و قوام بیشتری یافت و تنظیم این روابط، اهمیت بیشتری پیدا کرد؛ در نتیجه، رفته رفته حق تشخیص و رسیدگی به اختلافات و تعدیات افراد نسبت به یکدیگر از راه قدرت و سیطره رئیس قبیله خارج و مسئولیت جمعی افراد قبیله، تعدیل یافته و شخص بزهکار، پاسخگوی رفتار و کردار خود شناخته شد. در این دوره، به رغم وجود دولت و اقتدار عمومی، نقش چندانی برای آن وجود ندارد و دولت جنبه

^۱ - «لیست جرایم (به معنای خطاهای قابل مجازات توسط جامعه) در حقوق قدیم فوق العاده محدود بوده و موارد مهم آن شامل جرائمی مانند زنا با محارم و افسونگری می شده است. برای جرائمی از قبیل قتل، ایراد جرح، زنا، به عنف، سرقت و غیره تنها راه چاره در حقوق اولیه، خودیاری بوده است.» نقل از کتاب تحلیل مبانی حقوق جزا تألیف C. M. V. clarkson ترجمه دکتر حسین میرمحمد صادقی، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی چاپ دوم ۱۳۷۴، صفحه ۱۶